

بسم الله الرحمن الرحيم

مفهوم شناسی اخلاق اجتماعی جلسه اول آیت الله علی دوست

دو مفهوم که بسیار پر بسامد هست؛ یکی کلمه «اخلاق» و دیگری «اجتماعی» است. تمایلی ندارم که به تعریف جنس و فصل عالمان اخلاق در تعریف این کلمه پردازم؛ باید یک مقدار بحث را در اخلاق به صورت اجتماعی نگاه کنیم؛ در واقع اخلاق را می توان به هنجارها و ارزشهای حاکم بر جامعه تعریف کرد؛ یعنی وقتی می گوئیم یک عمل، اخلاقی است به این معنا است که یک هنجار و یک ارزش به حساب می آید. و وقتی هم که می گوئیم غیر اخلاقی است به این معنی است که عرف و معیار نمی پذیرد و به نوعی ضد ارزش هست؛ بنابراین اگر اخلاق را مساوی با هنجار و ارزش بدانیم، فکر می کنم که تصور دقیقی از این نهاد داریم؛ البته این را هم عرض کنم که گاهی اخلاق مقسم قرار میگیرد، برای رفتار بد و رفتار خوب. مثل این که می گویند فلانی بد اخلاق هست؛ به این معناست که فلانی اخلاق دارد اما اخلاقش بد است. یا می گویند خوش اخلاق؛ به این معنا است که اخلاق خوش و ملایمی دارد. در واقع این جا اخلاق در معنای اعم به کار رفته است و مقسم شده برای هنجار و ناهنجار.... اما در بسیاری از مواقع که تعبیر اخلاق را به کار می بریم؛ در واقع به معنای اخصش که همان هنجار باشد، به کار برده ایم. و در بیان کلمه اجتماعی هم باید آن را به ضدش که فردی است معن کنیم؛ یعنی گاهی انسان در رابطه با خودش یک هنجاری را اعمال می کند مثل این که یک نظمی دارد این از مصادیق اخلاق فردی است اما اخلاق اجتماعی نیست؛ یا با خدای خودش؛ انسانی است که دعا می کند اشک می ریزد، مناجات می کند، این یک نوع اخلاق هست و در واقع عادت و عرف هست برای این شخص.... اما این را اخلاق اجتماعی نمی گویند. به تعبیر دیگر اگر رابطه انسان را با سه نهاد در نظر بگیریم، با خود، با خدا و خلق؛ در واقع رابطه با خود و با خدا می شود اخلاق فردی؛ البته عموماً و ممکن است نهادهایی هم باشند که دو حیثیتی باشند مثل برخی عبادات اما وقتی در رابطه با خود و خدا محسوب می شود به نوعی اخلاق فردی است اما در رابطه با خلق اخلاق اجتماعی به حساب می آید. با این نگاه دانشگاه و بیرون هم صرفاً هم اجتماع نیست، خانه هم اجتماع حساب می شود. خانواده هم اجتماع حساب می شود و هر رابطه بیش از یک نفر... حداقل وقتی ما تعبیر می کنیم، در این برنامه و برنامه های آینده در واقع یک معنای عامی را اراده کرده ایم؛ اما گاهی اوقات حالتی است که رابطه با خود و خدا و خلق هم نیست؛ در واقع رابطه با هستی است. به هر حال انسان باید رابطه و اخلاقش را هم با این پدیده ها مشخص کند. مثلاً با محیط زیست چگونه باید رابطه داشته باشیم ممکن است که این ها را هم داخل رابطه با خلق کنیم. که در واقع یک نوع نگاه عام می شود به اخلاق اجتماعی... من اصرار دارم که در حیطه اجتماع ما معنا را بزرگ بدانیم حتی نسل های آینده را هم باید شامل شود. سوال این است که آیا اخلاق اجتماعی فقط با نسل موجود معنا می شود؟ یا نه ممکن است نسل آینده را هم شامل شود؛ که به آن عدالت بین نسلی هم می گویند که انسان عدالت را برای انسان های آینده هم در نظر بگیرد. قطعاً وقتی ما می گوئیم اخلاق اجتماعی این را هم در بر می گیرد. و حتی نسبت به گذشتگان هم ما تکلیف داریم و نسبت به تراث گذشته هم تکلیف داریم. حتی نسبت به انسانهایی که فوت کرده اند اگر بخواهم مثالی بزنم؛ سوال این است که آیا می توانیم کسی را که مرده است غیبتش کنیم؟ سوال این است که ما آیا در این ارتباط اخلاق اجتماعی داریم؟ چون اخلاق اجتماعی زمانی است که پای دیگری در کار باشد؛ بنابراین نسل گذشته و حال و حتی نسل آینده؛ اخلاق اجتماعی در او حضور و معنا پیدا میکند.

سوال مجری: آیا ما در قبال اعمالی که ممکن است نسل های بعد ، تکرار کنند ، آیا ما باز هم مسئولیم ؟

جواب: بدون شک ما مسئول پیامد کارهای خود هستیم. تا وقتی که ما کاری را کلید می زنیم و دیگران آن را اجرایی می کنند ، ما مسئول کارهای خود هستیم. البته در سنت نیک هم همین است؛ که اگر کسی حسنه ای را پی ریزی کرد، ثواب آن هم به او خواهد رسید؛ در حدیثی هست که از ائمه معصومین رسیده است، کسی که ناهنجاری را ایجاد کند، گناه آیندگانی هم که به آن عمل کنند به حساب او خواهد بود البته نیازی نیست که تعبدی هم قبول کنیم، یک جریان عقلی است که بنده باعث شدم و هر پیامدی که از آن عمل منتج شود، به من هم منسوب خواهد بود. یا متقابلاً اگر هنجار خوبی را هم تاسیس کنم، به طوری که حالت مکتب و پیرو پیدا کند، تمام کسانی که عمل می کنند ثواب می برند بدون این که از ثواب کسی که آن کار را بنیان نهاده است، کاسته شود.

آن چه مسلم است در پیام تمام پیامبران، و مصلحان، باید مباحث را گاه انسانی بدانیم و ببینیم هر چند پیام پیامبر خاتم جاودانی و جهانی و جامع است ؛ بنابراین بحث اخلاق اجتماعی که مورد گفتگوی ما هم هست، در همه پیام پیامبران و مصلحان و امامان وجود دارد.

چنان که غیر اخلاق اجتماعی پیام دیگری هم وجود دارد. همان طور که پیامبر می فرماید: «انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» در یک نظام حلقوی و هرمی از قرآن در می آید. و نیازی نیست که ما دنبال سند برای هر حدیث باشیم. به هر حال پیام های دیگری هم وجود دارد، توحید، نبوت و معاد جهاد مبارزه ، شریعت ، احکام ، روزه ، حج ... اما این که بیاییم اولویت بندی کنیم، قدری مشکل است ؛ من نمی گویم که همه این پیام ها در عرض هم اند؛ به هر حال نظام هرمی و طولی است. تعیین اولویت ها قدری سخت است؛ اما آیا می توانیم بگوییم اخلاق اجتماعی از نماز بالاتر است؟ یا کسی بگوید نماز از اخلاق اجتماعی بالاتر است. جالب هم این است که هر کدام از این دو نفر شاید بتوانند برای مدعای خودشان احادیثی یا حتی آیه ای پیدا کنند. در حالی که وقتی نزد ویژه دانان این مسائل مطرح میشود آن ها به این شکل برخورد نمی کنند. مهم این است که همه این ها به نوعی در زندگی لازم است مثل یک باغی می ماند که هر قسمتی از آن میوه ای است (انگور ، سیب، پرتقال و...) و نمی توان گفت کدام بهتر است؛ هر کدام هم خاصیت خود را دارد . الان من از شما سوال می کنم انگور بهتر است یا گلابی؟.... یا مثلاً در بحث عبادات ممکن است برخی به نماز اشاره کنند که بهتر و بالاتر از بقیه عبادات است. اما وقتی در یک طرف نماز و در طرف دیگر اخلاق اجتماعی است، سنجه در این جا معنا ندارد چون هر کدام خاصیت خود را داراست. جامعه اگر اهل نماز باشد ولی اخلاق اجتماعی نداشته باشد؛ مسلماً این جامعه ، جامعه اسلامی نیست؛ یک حقیقتی را ندارد و یک بخشی از آن کم است. در نقطه مقابل هم ممکن است کسی اخلاق اجتماعی داشته باشد و مؤدب باشد اما نماز نخواند، این هم قابل قبول نیست. به هر حال این موارد هر کدام خاصیت خود را داراست.

مجری: آیا می توان گفت تمام مصادیق اخلاق و عبادات به نوعی زیرمجموعه مکارم اخلاق است ؟

برخی معتقدند که انما این جا برای حصر است و بنده این را یک تصور مشهور اشتباه میدانم . بنده معتقدم که این جا انما برای تحقیق است در کتاب «سلسبیل» آن جا بحث کردم که انما برای حصر می آید یا نه .. و در برخی مقالات هم اجتهادی این بحث را مطرح کردم. این جا انما به معنای همانا است گاه آن را معنا می کنیم که این است و جز این نیست. در حالی که در بسیاری از آیات و روایات و متون دینی و عربی به

معنای تحقیقی است و لذا لزومی ندارد که آن راه را برویم که این جا نماز هم زیر مجموعه مکارم اخلاق است. نماز به عنوان مثال برای شکرگزاری است و می توان ادعا کرد که نماز یک نماد و نمود اخلاق اجتماعی است.

عمده مطلب در خصوص مکارم اخلاق به ابعاد اجتماعی بر میگردد. بینندگان اگر مطالعاتی داشته باشند که قطعا دارند، وقتی احادیث و روایات اعمال را قرار هست ارزش گذاری کند، مثلاً می گوید افضل الاعمال انتظار الفرج... یا وقتی می آید در بخش ذکرها و گفته ها، به عنوان مثال میگوید وقتی شما می گوید الحمد لله رب العالمین، میگوید این ذکر شیخ و سید الاذکار است. یک جا می گوید بالاترین ذکر صلوات است یا در جای دیگر می گوید افضل اعمال کلمه حق عند امام جائر... سوال پیش می آید این که این مجموعه را چگونه اولویت بندی کنیم؟ ثانیاً فارغ از حرف ما بالاترین ذکر چیست؟ آیا صلوات است یا الحمد لله یا لاحول و لا قوة الا بالله؟ ببینید هر کدام یک حیثیت دارد. مثلاً این که شما برای ابراز به اهل بیت بیایید بگویند لا اله الا الله این در واقع ابراز محبت نیست بلکه صلوات است. یا این که ابراز توحید، با صلوات نیست با ذکر لا اله الا الله است. اگر خواستید شکرگزاری تان را نسبت به نعمت هایی را که خداوند به شما داده، ابراز کنید باید با الحمد لله بیان کنید. دقیقاً مثل میوه ها است که هر کدام خاصیت خاص خود را داراست. و این بیان افضل اعمال فلان و بهمان است این ها نسبی است. این که گفته میشود افضل اعمال انتظار فرج است آیا باید دید این انتظار فرج همه خاصیت دیگر اعمال را هم دارد؟ قطعاً این طور نیست. از این جهت کسانی که با این دید به خدمت این روایات می روند، دچار تناقض نمی شوند.

به هر حال اخلاق اجتماعی در وصایا و بیانات اولیا، پیامبران و امامان و صلحا جایگاه ویژه ای داشته است. خیلی فاصله است بین آن چه در اسلام گفته می شود با آن چه در تصور ما است. بین آن چه کارگزاران جمهوری اسلامی می بینند با آن چه در نامه امام علیه السلام به مالک اشتر هست.

مجری: اگر به شما بگویند مهمترین نیاز جامعه در بیان معارف اسلامی چیست، آیا شما اخلاق اجتماعی را مطرح می کنید؟

اگر من جواب شما را به اثبات بدهم و بگویم مهمترین نیاز اخلاق اجتماعی است، ناخودآگاه یک برداشت می کنند که دیگر تمام گفته ها و برداشت ها و برنامه ها برود به طرف اخلاق اجتماعی... و من این برداشت را نمی خواهم که تحقق یابد. یعنی ما در رابطه با نماز هنوز چقدر حرفهای ناگفته داریم. به هر حال دانش حد و نهایت ندارد و باید اذهانی خلاق باشد که مطلب خلق کنند. فقط این مطلب معلوم باشد که ما در همه زمینه ها نیاز به تبیین داریم. بلی ولی وقتی انسان این قدر فاصله می بیند بین اخلاق مسلمانان و اخلاق تبیین شده در اسلام معلوم است که یکی از اولویت ها، همین اخلاق اجتماعی میشود. البته نباید دید صرفاً سیاه یا سفید داشت نسبت به مسائلی که مطرح شده بلکه گاهی اقتضا می کند که دید سیاه و سفید همه مسائل را مرور کند.